

از آنسوی دیوار های مکتب: تصمیمگیری خانواده و شمولیت اطفال به مکاتب در افغانستان

خلاصه موضوع

طوریکه افغانستان بعد از مخالفت های قبلی به اعمار مجدد نایل میگردد برای "بازگشت به مکتب" تلاش همه جانبه از سال ۱۳۸۱ (۲۰۰۳) آغاز میگردد. در نتیجه اضافه تر از ۳.۴ میلیون طفل در صنوف ۱-۱۲ شامل شده اند^۱ که قابل توجه میباشد. اگر چه به تعداد ۲.۵ میلیون پسر و دختر که به سن مکتب (۷-۱۸ ساله) بوده اند تا هنوز داخل مکتب نشده اند. علی الرغم این واقعیت، طوریکه در قانون اساسی افغانستان ذکر شده، تعلیمات الی صنف ۹ اجباری میباشد. آیا چه دلایلی وجود دارد که این احصائیه را اغلباً مغلق یا چندین بار اضافه تر از حقیقت نشان میدهند؟ آیا خانواده روی کدام عوامل خاص تصمیم میگیرند که اطفال (پسر و یا دختر) خود را به مکتب بفرستند و یا اینکه به مکتب روان نکنند؟ آیا این تصمیم را کدام شخص اتخاذ مینماید؟

با در نظر داشت تار زمان، تنظیم مواد حاشیوی، مثل تعمیر مکاتب، معلمین، نصاب تعلیمی که جلب توجه مینماید، و تقاضایکه مربوط به خود مسوولین میباشد بطور سیستماتیک و منظم به بررسی گرفته نشده است. این توضیح نامه روی ضروریات پالیسی سازی و دیگر بخش های تعلیم و تربیه روشنی می اندازد تا تقاضا و مطالبات مهم را راجع به شمولیت در مکاتب آشکار سازد. شاید از مسایل عاجل مربوط به مکاتب در بعضی موارد خارج هم باشد.

تحقیقات اخیر از لحاظ کیفیت^۲ توسط واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان در مورد تصمیم گیری خانواده ها راجع به شمولیت مکتب در قریه ها و شهر ها، هر دو دیدگاه مهم را در این پروسه مغلق آماده میسازد. فهمیده میشود که در شمول مکتب، عدم شمول و یا اخراج نمودن از مکتب را از خانواده ها یک نفر تصمیم میگیرد. حتی اگر فامیل های بزرگ هم باشد، مادر و پدر اطفال رول براننده تفاهم را دارا هستند.

در مورد تحقیق: این رساله محصول دست آورد چهار مطالعه تحقیقات علمی این اداره است که در سال ۲۰۰۵ به طبع رسیده است. پروژه توسط دولت دنمارک و کانادا و بانک جهانی تمویل گردیده است و با همکاری انکشاف بنیاد سنایی، دفتر حمایت از اطفال امریکا و آکسفام تطبیق گردیده است. ساحه تحقیقات عبارت بوده از: قریه های در ولسوالی چهار آسیاب ولایت کابل، ناحیه سیزده شهر کابل، قریه های بلچراخ ولایت فاریاب و ناحیه دوم شهر قندهار. قابل یاد آورست که جینان اسپینک شکل مطالعه و سروی را طرحریزی کرده و پامیلا هانت و گلبدن حبیبی کار ساحوی آنرا تنظیم و ساغر وفا و بصیر نادر اداره کننده گان تیم های ساحوی این پروژه بوده اند.

در مورد مولف: پامیلا هانت متخصص بشر شناسی بوده که بیش از ۳۰ سال در افغانستان تجربه کاری دارد و اساساً علاقمند تحولات فرهنگی و اجتماعی در ساحات صحت و تعلیم و تربیه میباشد. نامبرده در سال های اخیر به حیث مشاور در واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان در بخش تحقیق معیشت ها اجرای وظیفه میکند.

^۱ مصئونیت آینده افغانستان: انجام ستراتیژی قدم به پیش (ضمیمه تخنیک/تعلیم و تربیه) کابل، تیسسا و نمایندگی های بین المللی ۲۰۰۴، بدون شک امروز شمولیت در مکاتب زیاد تر است اما این منبع همچنان احصائیه ها و معلومات دقیق را ارائه میدارد.
^۲ متضاد به سروی از لحاظ کمیت، سروی از لحاظ کیفیت عناوین مشرح را طور مختصر بررسی مینماید که مبنی با نمونه میباشد.

ولو که تصمیم آنها باعث تضاد و یا همکاری در بین فامیل گردد. دلایل زیادی معمولاً بالای تصمیم فردی تاثیر انداخته و موضوع تقاضا و تهیه مواد اغلباً تاثیر متقابل دارد.

در هر دو زمینه تعلیمات شهری و دهاتی، حالاتی وجود دارد که موضوع تهیه وسایل در تصمیم هرگز شامل نمیشد، از این مطلب چنین بر می آید که ارزیابی و فهمیدن تقاضا هر دو باید متعادل باشد و خود مسئولین امور در طرز زندگی و حیات شاگردان متوجه گردند. والدین شاید توقع داشته باشند که تعلیم و تربیه برای پسران و دختران داده شود اما فقر و غربت مانع آن میگردد (که شمول دختران و یا پسران را به مکتب مانع گردد) و خطر فشار اجتماعی آنها را نیز تهدید میکند، خاصاً رفتن دخترها به مکتب). اختلاف قابل ملاحظه در تقاضا بین خانواده ها نیز وجود دارد همچنین در رابطه به فعلیت و تحرک جنسی تقاضاهای متفاوت در میان است. اکثر خانواده ها خود را در مخاطره اجتماعی قرار میدهند و دخترهای خود را اقلماً برای دوره ابتدائیه به مکتب میفرستند. با در نظر داشت تهیه نمودن منابع، اکثر خانواده های فقیر توقع زیادی دارند که برای نجات از فقر اطفال خود را به مکتب بفرستند و بالای شان کار نکنند، آنها پسران را (و به تعداد کم دختران را) به امید آینده بهتر به مکتب میفرستند.

مسئولین امور بطور دقیق از موجودیت مواد آگاهی دارند که در مکتب های جوامع موجود است، همچنین کیفیت تعلیم و تربیه (خاصاً وضع تدریسی) برای والدین قابل اهمیت است. با آنها، نظر به کمی تماس و رابطه والدین با مکتب اطفال شان و معلمین آن اغلباً با بُعد فاصله اجتماعی و عدم اعتماد مواجه میگردند. آنها احساس کمی از عدم ارتباط با حکومت و موسسات غیر دولتی میکنند تا بصورت فعال در تعلیم و تربیه اطفال خود سهیم باشند و بهمین ترتیب در تنظیم امور مکتب محلی سهم بگیرند.

اکثر مکاتب در افغانستان فاقد تعمیر مناسب و اثاثیه میباشد. صنف ها اغلباً مزدحم و اضافه از حد میباشد. معلمین معاش کم و نوبه یی ناچیز دارند- این جهت قضیه، فشار و مانع غیر قابل تحمل را بار می آورد. آنهایکه بحیث بازی کن در بخش تعلیم و تربیه سر و کار دارند باید به تفصیل بیشتر ماواری سرحدات مکتب این مطلب را مطالعه نمایند. آنها باید بیشتر از این پدیده های وخیم زندگی مسئولین آگاهی حاصل نمایند که بالای شمول شاگردان در مکتب و عدم شمول آنها تاثیر می اندازد. توجه به پنج موضوع ذیل که در اولویت قرار دارد صورت گیرد:

- آموزش سر معلمین و معلمین در تخنیک رهبری اساسی و مهارت های تنظیم جامعه
- تاسیس مرکز فعال انجمن محلی والدین و معلمین (PTAS) بیشتر در جوامع تقویه شده و تداوم این انجمن ها در نظر گرفته شود.
- آماده ساختن تعلیمات عملی برای جنس مرد و زن برای تمام معلمین و تشویق آنها در جهات مثبت و همکاری شان درین ساحات.
- هدف رسیدگی به اطفالیکه در مکتب شامل شده اند.
- توسعه، تصفیه و تنظیم پروگرام های متمم غذایی برای مکتب.

به خاطر آنکه تعلیم و تربیه اطفال را در افغانستان بهبود بخشیم و مشوق شمول و نگهداری آنها گردیم توجه بالای تهیه و وسایل مربوط آن کافی نیست.

۱. انگیزه های تصمیم گیری خانواده ها

چی کسانی تصمیم میگیرند؟

این موضوع که کدام شخص در باره شمول مکتب مستقیماً تصمیم میگیرد ارتباط مستقیم به پیچیدگی روابط میان اعضای خانواده ها و تقسیم صلاحیت ها میان آنها دارد. عمل متقابل و فعال در بین فامیلها به ساختار اعضای فامیل و سنین مختلف، و بهمین گونه موقف و رول آنها که فوق العاده مغلط است مربوط میباشد. اختلافات زیاد بین فامیلها درین مورد وجود دارد، بطور عموم، قوه تصمیم گیری اساساً به رئیس فامیل که یک مرد است تعلق دارد که بطور کلیشه ئی پذیرفته شده است. همچنین خانمها در پروسه تصمیم گیری سهم فعال دارند، در بعضی موارد خانمها خود قدرت قابل ملاحظه میداشته باشند.

مردم قریه ما اهل خبره هستند، اما آنها می بینند که ضرورت به تعلیم و تربیه دارند، آنها اطفال خود را به مکتب میفرستند تا عاقل و با سواد شوند. آنها میخواهند که اطفال شان در آینده داکتر و انجنیر شوند. من آرزو دارم که اطفالم در آینده زنده گی راحت و آرام داشته باشند و وقتیکه مردم نام مرا بگیرند و بگویند که اطفالم با سواد هستند، بسیار خوش خواهم شد. اظهارات یک مادر از قریه بلچراج

چرا باید اطفال را به مکتب فرستاد؟

تعلیم و تربیه در حیات اکثر فامیلها رول ستراتیژیکی را بازی میکند، از این جهت خانواده ها اطفال شانرا که به سن مکتب برسند به مکتب میفرستند. مرد ها و زنها هر دو در جهت فراگرفتن تعلیم، که اکثراً بیسواد بوده و هیچوقت خود شان به مکتب نرفته بودند، از مزایای تعلیم و تربیه یاد آوری کرده اند.

اگر چه تاکید فعلی بالای تعلیم و تربیه در بین افغانها کاملاً چیز جدید است^۳ مهاجرینکه دوباره بر میگرددند اکثراً تذکر میدهند که آنها از خلال مشاهدات در ایران و پاکستان روشنفکر شده اند، و آنها با یک روحیه برانزنده تعلیم و تربیه برای اطفال خود بازگشت کرده اند. در یک سطح شخصی بدون در نظر داشت موقف اقتصادی، پدر ها و مادر ها میخواهند که حیات اطفال شان نظر به به خود شان بهتر باشد، آنها درک کرده اند که یکی از طریقهای موفقیت برای اطفال خانواده شان در آینده همین کسب تعلیم و تربیه میباشد. بخش از توضیح موفقیت توسط تعلیم و تربیه طبعاً اقتصاد است، و مفکوره را میرساند که فرستادن اطفال به مکتب، خاصاً پسر ها و دختر های شان منتج به درآمد مثمر کار برای خانواده میشود. شاید با واقعیت اقتصادی خانواده سازگار و منطبق نباشد. به اصطلاح اینکه "یک داکتر شود" و یا یک انجنیر که بطور عام یک آرزوی خوب والدین میباشد بر علاوه اکثر والدین عقیده دارند که آنها موقف خوب اجتماعی را برای خود و فامیل خود در اثر کسب تعلیم و تربیه اطفال خود حاصل میکنند، در بعضی حالات تصمیم گیرندگان توسط روحانیون مذهبی تحت تاثیر

من با خانمم در باره شمول اطفال ما به مکتب یکجا تصمیم میگیریم، مهمتر از همه اینها اطفال او هم هستند. ما تمام چیز را مشترکاً بحث کرده و تصمیم میگیریم...

اظهارات یک پدر از ناحیه ۲ شهر قندهار

شوهرم و من هر دو مسؤلیت تصمیم گیری را داریم. ما هر دو بودجه و مصارف خود را مراقبت میکنیم، شوهرم تمام توصیه های مرا در همه کار های خانواده می پذیرد او بدون پیشنهادات من هیچ تصمیم نمیگیرد. شوهرم مرد عاقل است او میکوشد پسر و دخترم هر دو درس بخوانند و من خودم دخترم را بسیار تشویق میکنم، زیرا واقعاً میخواهم که آنها مکتب بروند و چیزی بیاموزند.

اظهارات یک مادر از ناحیه ۲ شهر قندهار

خصوصاً در شمول مکتب پسر ها و دختر ها، حتی در فامیل های بزرگ، واقعاً والدین است که تصمیم گیری اولی را بعهده دارند. بعضی اوقات والدین بزرگ (پدر کلانها) و برادر بزرگ همان طفل تصمیم میگیرند. تصمیم گیری گاهی به همکاری، گاه با مخالفت و یا مباحثه زیاد بین والدین می انجامد. روابط جنسی در فامیلها به پیمانانه زیاد تغییر دارد، بطور عموم، فامیلهایکه تمام اطفال (پسر و دختر) خود را به مکتب شامل می سازند نشان دهنده آنست که بطور مقایسوی روابط حسنه بین اعضای فامیل وجود دارد (طور مثال: طبقه انانث و ذکور هر دو در تصمیمگیری سهم میگیرند از کارهای روزانه خانواده تا خریداری و ترتیب عروسی اطفال).

^۳ آیات قران به پیروان خود تاکید میکند که "طلب علم نمایند ولو که در چین باشد" علاوه بر تعلیمات مذهبی از زمان سلطنت امیر حبیب الله ۱۹۰۱-۱۹۱۹ به بعد حکومت از تعلیمات عامه در مکاتب رسیدگی میکند و این حق بیشتر برای پسر های شهر نشین داده شد. در طول ده ها سال بین عصری ساختن و عنعنه پرستی کشیدگی ها در جامعه افغانی همیشه وجود داشت، کلید مخالفت با نوع تعلیمات در جامعه اغلباً نیز وجود داشته است.

دهات عامل عرضه هرگز مد نظر نمیباشد، از لحاظ تقاضا، دلایل اقتصادی و اجتماعی رول برجسته و مهم را بازی میکند.

تصمیم در باره آنکه دختر و یا پسر را به مکتب شامل کنند به ستراتیژی عمومی زندگی خانواده ها وابسته است که اغلباً موضوع مغلق در بین اعضای فامیل میباشد.^۵ اکثر خانواده ها تلاش میورزند که این مجالس را خاتمه دهند و تعلیمات اطفال شان مناسب با توجه زیاد اعضای فامیل باشد. مصارف عمده یک خانواده معمولاً برای مواد غذائی و بهداشت صحتی مصرف میشود. اگرچه در تعلیم و تربیه در مکاتب دولتی رایگان است اما مصارف ماهوار اطفال مانند تهیه کتابچه، قلم و کتاب، لباس، مصرف کرایه، جیب خرچ روزمره بدوش والدین و خانواده میباشد.

مصارف مستقیم تعلیم و تربیه بطور قابل ملاحظه در بین خانواده ها متفاوت میباشد و مربوط به تعداد اطفال آنها است که به مکتب میروند، همچنین سطح تعلیمی مکتب، موقعیت آن هائیکه به مکتب شخصی نزدیک است و یا دولتی نیز بالای مصارف خانواده ها تاثیر می اندازد.^۶ نظر به مصارف مستقیم، اکثر تأثیرات دیگری وارد مینماید که طفل را به مکتب شامل نکنند و در عوض پسر و یا دختر باید کار کنند تا عاید فامیل تکمیل گردد.

والدین میخواهند که پسران و دختران شان تعلیم و تربیه را فرا گیرند اما آنها اغلباً به موانع فقر، عدم توانائی و فشار منفی اجتماعی بخاطر حفظ آبروی فامیل، دختران خود را در انزوا قرار میدهند که این حالت استثنا بوده و عمومیت ندارد. اما پسران در مکتب میتوانند شامل شوند، لیکن دختران تحت این شرایط شامل شده نمیتوانند و یا اینکه در سنین خورد و مراحل بلوغ از مکتب بیرون میشوند. تفاوتهای زیادی درین بخش وجود دارد، بعضی از آنها که مکتب میروند، به خواهر و برادرش که به مکتب نمیروند منحیت معلم خانگی به دروس آنها کمک میکنند.

در ساحات روستائی، جائیکه تسهیلات تعلیمی از لحاظ کمی و کیفی به مقایسه ساحه شهری پائین تر است، تهیه مواد درسی و تقاضای تعلیمی کم بوده اطفال شان به مکتب رفته نمیتوانند و یا تصمیم به اخراج شان از مکتب گرفته میشود. برای دختران مسافه مکتب (بیش از یک ساعت که اجازه قدم زدن را ندارند) و موجودیت معلم مرد در مکتب مانع رفتن دختران به

می آیند و آنها تفسیر و تشویق میکنند که تعلیم و تربیه برای هر دو جنس (پسر و دختر) لازمست.

نابرابری جنسی در شمولیت به مکتب

در هر دو زمینه شهری و دهاتی، اطفالیکه در مکتب شامل میشوند، پسر و دختر هر دو اکثراً در صنف ابتدائیه شامل میشوند عموماً بخاطر "بازگشت به مکتب" در سالهای اخیر درس میخوانند تا خود را برسانند. از زمان سقوط رژیم طالبان در سال ۲۰۰۱، تحولات وسیعی در ارتباط جنس خاصاً در بخش عامه همگام با رشد، شمولیت در مکاتب دخترانه بملاحظه میرسد: اکثر والدین اهمیت تعلیم و تربیه را برای ذکور و اناث در شرایط جاری احساس میکنند. بخصوص مادرها تذکر میدهند که خانواده ها در همسایگی یکدیگر خود را بدقت مشاهده میکنند و سلوک یکدیگر را کاپی میکنند: وقتیکه یک فامیل اطفال خود را به مکتب می فرستند (پسر و یا دختر) دیگر فامیل تشویق میشود که عین کار را تعقیب نماید.

جدول ۱: فیصدی شمولیت پسران و دختران به مکاتب (ساحه تحقیق)

دهاتی				شهری			
چهار آسیاب (۱۳ خانواده)		بلچراغ (۱۳ خانواده)		ناحیه ۱۳ کابل (۱۲ خانواده)		ناحیه ۲ قندهار (۱۲ خانواده)	
پسر	دختر	پسر	دختر	پسر	دختر	پسر	دختر
٪۱۰۰	٪۲۲	٪۴۷	٪۴۴	٪۶۸	٪۳۴	٪۷۷	٪۳۶

با وصف افزایش موجوده، تفاوت کلی جنسی در شمولیت مکتب شهری و دهاتی وجود دارد (جدول ۱). مکاتیبیکه درینجا شامل است تماماً حکومتی است به جز از چار آسیاب جائیکه بنیاد انکشاف سنایی یک مکتب کوچک محلی دختران را در آنجا تاسیس کرده است (از صنف ۱-۴) قابل توجه خاص اینست که پروگرام غذائی جهان (WFP) توزیع غذای متمم (بسکیت) را در مکاتب پسران و بسکیت و روغن نباتی و بسته های غذایی را در مکتب دختران روستای بلچراغ (فاریاب) توزیع کردند و این موضوع باعث تشویق دختران در شمولیت به مکتب گردیده است.

چرا پسران و دختران به مکتب شامل نمیشوند؟

وقتیکه یک طفل در مکتب نباشد (یا هیچگاه در مکتب داخل و خارج نشده باشد) دلایل زیادی برای عدم شمول پسر و یا دختر وجود دارد. در اکثر حالات در شهر و یک اندازه محدود در

^۵ درین مطالعه ۵۰ فامیل طور نمونه گرفته شده که عاید ماهوار شان تخمیناً ۲۰۰۰-۱۲۰۰۰ افغانی میباشد.

^۶ آنائیکه پرسیده شده اند مصارف مستقیم تعلیمی شان در حدود ۴۵۰-۲۰۰۰ افغانی در یکماه برای هر خانواده تخمین شده است.

^۴ قبولاندن فیس ۱۵ افغانی در هر ماه، موفقیت این مکتب را تنها با یک معلم (ذکور)، تقریباً ۴۰ دختر را به سن مکتب ابتدائیه آماده ساخت و یک لست طویل منتظرین با فیس ۵۰ افغانی که معادل ۱ دالر میشود، را نیز بوجود آورد.

بطور عموم، با در نظر داشت نگرانی‌های امنیتی^۹ هم تصمیم شمول در مکتب کاهش میابد که در نمونه گیری این تحقیق شامل نمیباشد. به استثنای شهر قندهار در دیگر جا های آن بنابر اختطاف اطفال و بقتل رساندن بعضی پسر های جوان موضوع شمول پسر ها و دختر ها در مکتب به تعویق افتاده است. معلوماتیکه توسط رادیو از چهار آسیاب بدست آمده موضوع اختطاف اطفال در قندهار سبب نرفتن موقتی اطفال به مکتب ابتدائیه شده است، اما وقتیکه سر معلم مکتب تدابیر امنیتی پسران را توسط پسران مسن و معلمین در نظر گرفت که اطفال را به رفتن و آمدن مکتب همراهی کنند، مکتب دوباره آغاز گردید.

مکتب شده و آنها به نگرهبانی اطفال، آشپزی و پاک کاری میپردازند و از ترس شایعات بی اساس در کار خانه مصروف میشوند. دختر ها و پسر ها که از مکتب خارج شده ویا نرفته اند ذهنیت والدین در برابر شان طور یست که "آنها هیچ چیز را نمی فهمند خوانده و نوشته نمیتوانند، بناً (مکتب) خوب نیست" (همین طور موجودیت معلمین بی کفایت، تعمیر نا مناسب برای مکتب، کمبود مواد درسی مثل کتب)^۷ همه معضلاتی است که یکجا تاثیر میکند، پسر ها به مالدار ی و دختر ها به قالین بافی مصروف شده باعث نرفتن در مکتب میشود.^۸

۲. عناوین کلیدی: مثالهای از قریه و شهر

من به قالین بافی آغاز کردم موقعیکه ده ساله بودم. وقتیکه سه سال قبل به کابل آمدم، ما زنده گی خراب داشتیم؛ پدرم گفت قالین بیاف و من آن کار را کردم، اما حالا ازین کار بسیار خسته شده ام، از ساعت ۶ صبح الی ۵ بعد از ظهر قالین می بافم. من مکتب رفته نمیتوانم زیرا قالین می بافم. من واقعاً میخواهم مکتب بروم، اما پدرم مرا اجازه نمیدهد. او میگوید: "اگر تو مکتب بروی آیا به زنده گی ما چه رخ خواهد داد؟" من به مکتب بسیار علاقه دارم، من از مادرم خواستم که پدرم را قانع بسازد. اما مادرم میگوید: "پدرت دیگر راهی ندارد که ترا به مکتب روان کند. تو میبینی که چطور یک زنده گی داریم، اگر تو قالین نبافی، ما پول نان خود را از کجا کنیم، تو میدانی که پدرت وظیفه ندارد.

دختر ۱۴ ساله، ناحیه ۱۳، شهر کابل
او هرگز مکتب نرفت!

فقر، معیشت و به کار گماری اطفال

دنبال میکنند. اکثر خانواده ها در قریه و شهر امیدوار اند که در اثر تعلیم و تربیه از فقر نجات یابند، ازین لحاظ با وصف موانع شدید فقر و غربت، اطفال خود را به مکتب شامل کرده اند.

مجوزه های منفی اجتماعی: قوه افواها

در شهر و قریه هر دو شایعات اجتماعی شدیداً مانع شمولیت دختران در مکتب میشود. اگر یک دختر در مکتب شامل شد، از خوف شرم و حیا که در دیگر خانواده ها و همسایگی ها پخش شود "افواه مردم" اغلباً باعث توهین اعضای خانواده میشود، هم برای مرد و هم برای زن که آنرا تحمل نمیتوانند.

هدف اولی فامیل ها آنست که شبکه ارتباطات اجتماعی خود را تقویه نمایند و این امر با ازدواج دختر ها بر آورده میشود. اگر یک دختر روش عنعنوی را تائید نکند و منزوی نباشد آیا کدام شخص با او ازدواج خواهد کرد؟ ظاهر شدن در محله عام و تماس با پسران نا آشنا به بی حیائی او تلقی میشود و معتقد میشوند که دختر اخلاق ضعیف دارد. با برگرداندن این ذهنیت بسیار خراب برای فامیلها، خوبشاوندی در فضای باز قابل افتخار است. این عقاید در بین اکثر گروپ های قومی

فقر و ناتوانی پرداخت مصارف شمول اطفال مخصوصاً دختران به مکاتب، عامل اصلی مانع در راه شمولیت آنها به مکاتب محسوب میشود. در شهر و قریه اطفالیکه کار میکنند، منبع اولی دریافت عاید برای خانواده شان می باشد، خاصاً در حالتیکه پدر اطفال بدون وظیفه و کار باشد. از جمله ۵۰ خانواده نمونه گرفته شده که با آنها مصاحبه شد، نصف این خانواده ها مصروف کار و حاصل کردن پول نقد و یا فعالیت های شبیه آن بودند.

افزافه تر از یک طفل خانواده بکار اشتغال داشت. به مقایسه ۴ ساحه تحقیق، مردم چهار آسیا نسبتاً متمول بودند که بکار زراعت مصروف اند و حد اقل اطفال شان بکار میرفتند. تقریباً سوم حصه این اطفال در اثنای این نمونه گیری، اساساً بچه های خورد ابتدائیه بودند که کار خود را با درس مکتب یکجا

^۷ نظر به هر چیز دیگریکه تذکر داده شده کیفیت درسی معلمین از طرف والدین به سطح پائین ارزیابی شده است.

^۸ در هر دو ساحه تحقیق شهری و دهاتی اکثر والدین از پائین بودن سوبه درسی شکایت داشتند، اما تذکر ندادند که اطفال شانرا از مکتب خارج کند تنها اشاره به لت کردن شاگردان توسط معلمین صورت گرفت و یک موضوع رشوه نیز در میان بود که والده یک پسر اظهار داشت که معلم برای پسر ش گفته بود اگر یک شامپو برایش بخرد او را کامیاب خواهد کرد.

^۹ وقتیکه این تحقیق رهنمائی میشد در تمام چار ساحه مورد تحقیق، آرامی نسبی وجود داشت، قبل از آن فهای حمله طالبان در اوایل سال ۲۰۰۶ وجود داشت.

او "پیشی کند"، و در اثر تحولات و تغییرات جدید در افغانستان با کسب تعلیم و تربیه بخوبی موفق شده اند.

بعضی مردمانی است که از ما تقلید میکنند، ما اطفال خود را به مکتب روان میکنیم، آنها نیز اطفال خود را به مکتب می فرستند. اگر یک مکتب برای دخترها درین قریه اعمار شود من یقین دارم که مردم دخترهای خود را به مکتب خواهند فرستاد. من اولین شخصی بودم که دختر خود را برای قرآن خواندن به مسجد روان کردم و دیگر مردم قریه بعداً تقلید کردند، دخترهای خود را هم روان کردند... اگر شما تعلیم نداشته باشید، شما مثل یک شخص کور میباشید.

اظهارات مادریکه دو پسر و دو دخترش شامل مکتب بود

افغانستان مسلط است، خاصاً در بین پشتونها، انزوای طبقه انات یک موضوع ایدال بشمار میرود. در بین تعداد کم جواب دهندگان، تعبیرات مذهبی از جمله مجوزه های منفی اجتماعی محسوب میشود. بهمین ترتیب عقیده به موجودیت مرد ها که آنها توان تهیه مسایل اقتصادی را برای خانمهای خود دارند از کار کردن خانمها در انظار عامه جلوگیری میکنند.

تشویق دخترها در رفتن و آمدن مکتب با پسر و یا مرد بیگانه که از خانواده دیگر باشد پرابلم دیگر است. خاصاً از نگاه اقارب ذکور دختر، که این مسله باعث نرفتن به مکتب نیز میشود، خاصاً وقتیکه دختر جوان شود. حالات تشویشی و یا تخیلی سبب جنگ های لفظی و فیزیکی میان دو خانواده میشود و این تضادها موقعی رفع میشود که دختر به انظار عام ظاهر نشود. شایعات در باره انات که به مکتب میروند، امکان دارد حسادت خانواده هارا بر انگیزد، زیرا بعضی افراد میترسند که دیگرها از

جدول ۲: اطفالیکه کار میکنند (ساحه تحقیق)

مجموع	شهری		دهاتی		
	ناحیه ۲ قندهار (۱۲ خانواده)	ناحیه ۱۳ شهر کابل (۱۲ خانواده)	بلچراغ (۱۳ خانواده)	چار آسیاب (۱۳ خانواده)	
۵۰ خانواده					فیصدی اطفالیکه واجد شرایط مکتب بوده اما بکار مشغول بودند
۲۳%	۲۲%	۵۹%	۲۳%	۹%	
۳۱ ذکور ۳۰ انات	۵ ذکور ۳ انات	۱۷ ذکور ۱۶ انات	۴ ذکور ۹ انات	۵ ذکور ۲ انات	جنس
۶۱ طفل در ۲۵ خانواده	۸ طفل در ۷ خانواده	۳۳ طفل در ۹ خانواده	۱۳ طفل در ۶ خانواده	۷ طفل در سه خانواده	مجموع
	کمک به رنگمالی، کار در دوکان آیس کریم، طبخی، نجاری، شیرینی فروشی	قالین بافی باغداری	قالین بافی، مزدور کاری، جمع آوری گیاه	سنگ کنی	نوعیت کار ذکور
	گلدوزی	قالین بافی	قالین بافی، گلدوزی، خیاطی	خیاطی	نوعیت کار انات
۱۶ ذکور ۲ انات ۱۴% از جمله تمام اطفال که به مکتب میروند و در نمونه گیری سروی شامل اند	۲ ذکور	۹ ذکور ۱ انات	۱ انات	۵ ذکور	تعداد اطفال که کار میکنند و مکتب هم میروند

مکمل را برای دوره ابتدائیه، متوسطه و ثانوی آماده میسازد. (اما اینها کمتر عمومیت دارد) بر خلاف تعلیمات حکومتی که رایگان میباشد، با تسهیلات شخصی و با پرداخت فیس ماهوار (۵۰-۳۰۰ افغانی) اکثر خانواده ها با وصف وضع اقتصادی ضعیف حاضر اند که آنرا بپردازند. و این اراده یک ایثار اقتصادی است که تعلیم و تربیه را در مقام عالی قرار میدهد.

از جمله ۵۰ خانواده که طور نمونه در سطح مطالعه قرار دارند (بچه های دوره ابتدائیه و یک تعداد کم دختر ها) اطفال ۳۴ فیصد خانواده ها در موسسات شخصی شامل شده بودند. (البته در یک تعداد مراکز تعلیمی و یک مکتب بزرگ). اکثر این خانواده ها مردمانی بودند که از مهاجرت پاکستان و ایران برگشته به کشور آمده اما در آن کشور ها که تسهیلات تعلیمی طور شخصی وجود داشت در بعضی از آنها اطفال خود را شامل میکردند. هم آهنگی نصاب تعلیمی و کیفیت خوب درسی در آنجا توسط والدین تذکر داده میشد، همچنین تعداد زیاد صنوف برای شاگردان کلان سن نیز مهیا بود.

بعضی شاگردها (خاصاً پسر ها) به مکتب های حکومتی میروند درس های متمم خود را در کورس های خصوصی تکمیل میکنند از قبیل انگلیسی، کمپیوتر، ریاضی و دیگر مضامین مربوط. اغلباً معتقد اند که این وضع کلید موفقیت میباشد. رفتن درین کورسها قبل از وقت مکتب و یا بعد از وقت مکتب میباشد، و بعضی اوقات در اثنای رخصتی ها نیز میروند. گروپ دیگر شاگردان اکثراً پسر ها و تعداد کم دختر ها که تعلیمات اساسی شان ضایع شده و در آنوقت خورد بودند بنا بر جنگ به کورس های شخصی رفته تعلیمات اساسی و سواد را فرا گرفته اند و گاهی یکجا در پهلوی درس کار هم میکردند.

مکاتب خصوصی ابتدائیه و تعلیمات عالی در حال موجوده عمومیت ندارد اما این تسهیلات در کابل و دیگر شهر های بزرگ وجود دارد که صنوف آنها اغلباً مملو از شاگرد میباشد. با وصف ملاحظات قانونی و صحنه حکومتی درین نوع مکاتب که والدین، پسر ها و دختر های خود را روان میکنند معتقد اند که درین مکاتب به آنها تعلیمات عالی داده میشود. مثلاً تدریس بهتر، نصاب تعلیمی بهتر و صنف های مناسب و خورد تر نظر به مکاتب دولتی، ازین جهت آنها متمایل اند که در بدل تعلیم فیس تادیه کنند.

دوری از نورم عنعنوی و انزوای اناث یک تهدید برای اکثر خانواده ها تلقی میشود. به هر حال همشهریان و مردم قریه هر دو آگاه اند که تحولات گسترده در ارتباطات جنس مرد و زن در سطح عامه و افراد پدید آمده است، اکثر والدین (مادران و پدران) از افواهاات کناره گیری کرده آنرا نادیده میگیرند و خطر اجتماعی را میپذیرند و دختر های خود را به مکتب روان میکنند.

به هر حال، ساکنین شهری و اهالی روستائی هر دو آگاه اند که تحولات گسترده در ارتباطات جنس مرد و زن در سطح عامه و افراد پدید آمده است، اکثر والدین از افواهاات کناره گیری کرده آنرا نادیده میگیرند و خطر اجتماعی را میپذیرند و دختر های خود را به مکتب روان میکنند.^{۱۰} از مطالعه خانواده ها بر می آید که تمام اطفال سن مکتب (دختر و پسر) را به مکتب شامل میکنند. پدر اطفال معمولاً با سواد و بطور عموم تعلیمات خاص را تکمیل کرده اند که در باره موقف اجتماعی- اقتصادی اطفال خود متوجه اند، اما هیچکس به حد نهائی فقیر نمیشد. بعضی از آنها به پاکستان متواری و مهاجر شدند، نه تمام آنها. خانواده دیگر که اقلأ یک دختر خود را به مکتب روان میکنند. توجه به تعلیم و تربیه هم مربوط به تصمیم پدر میباشد. بر علاوه خانمهای تعلیم یافته جامعه که ازدواج کرده اند بشمول خانمهای دیگر که شخصیت برانزده و قوی دارند بالای خانواده های شان تاثیر مثبت وارد میکنند و تصمیم میگیرند که دختر های خود را به مکتب شامل کنند.

والدین که دختر های خود را به مکتب روان میکنند میکوشند که با پسر و دختر خود رویه خوب و مساویانه انجام دهند و ارتباطات مثبت را تامین کنند. مثلاً رشد احترام بین برادر ها و خواهر ها و ضمناً آنها را تشویق میکنند که در امور خانوادگی یکدیگر خود را کمک نمایند. این خانواده ها به حیث یک مدل خوب و مثبت در جامعه خدمت میکند و رول مهم را در پروسه تحولات فرهنگی و اجتماعی بازی میکند.

حق انتخاب دیگر در امور تعلیم و تربیه^{۱۱}

در ساحات شهری افغانستان انتخاب تعلیمات خصوصی طور روز افزون در حال انکشاف است، این بخش شامل مراکز خصوصی: آموزش لسان انگلیسی، کمپیوتر، ریاضی و سواد آموزی میباشد. همچنین مکاتب شخصی که نصاب تعلیمی

^{۱۰} تقریباً مناصفه (۴۲ فیصد) از آنانیکه درین تحقیق سروی شدند، اقلأ یک دختر خود را شامل مکتب کرده بودند.

^{۱۱} درین نمونه گیری، ملاحظه شد که بسیار اطفال (دختر و پسر) به مسجد و خواندن قرآن کریم میروند. سروی ساحه آموزش ملی که توسط وزارت معارف و یونیسف صورت گرفت واضح شد که ۶۷۸۴ ساحه آموزش در ۳۲ ولایت موجود است، از آنجمله ۶۹ فیصد دولتی و ۳۱ فیصد شخصی و غیر رسمی (مربوط منطقه، مکتب خانگی، مسجد و مکاتب غیر دولتی بود. رهنمائی پیرامون دولت در افغانستان، کابل: واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان

۳. چرا توجه به تقاضای مربوط؟

آنچه والدین که به مکتب نرفته اند خود شان بی سواد میباشند، سوال آنست که چطور بخوبی میتوانند اطفال شانرا که به مکتب میروند کمک نمایند و یا نبودن هیچ فردی در فامیل که به کار های خانگی شان کمک شود، بسیار مهم میباشد.

در شهر و قریه در هر دو زمینه، ارتباط والدین با مکتب و معلمین همیشه با بعد فاصله اجتماعی و عدم اعتماد مشخص میشود. با هر واقعه منظم مکتب، تماس بین جوامع و مکتب مربوط محدود و غیر رسمی میباشد. اکثر جوانان هم معتقد بوده فکر میکنند که آنها تماس ضروری با حکومت و موسسات غیر دولتی ندارند تا به آنها اجازه دهد که از جمله سهمگیرندگان فعال در تعلیم و تربیه اطفال خود محسوب گردند و یا در هماهنگی اداره مکتب محلی خود سهیم باشند.

در وضع جاری درجه رقابت در سیستم مکاتب دولتی و عامه یا مکاتب سکتور خصوصی و شخصی در افغانستان تا حال وسعت نیافته اما با انکشاف تقاضای مردم، تعلیم و تربیه شخصی در سراسر مملکت در حال افزایش میباشد. مثلیکه این حالت در کشور همسایه پاکستان در سالهای معاصر افزایش مکاتب را ارائه میدارد بر خلاف، مکاتب حکومتی به ضعف و سستی مواجهه میباشد. تحرک سیستم تعلیم و تربیه دو جانبه وجود دارد که در آن خانواده های مستعد و دارای اقتصاد قوی به تعلیم با کیفیت دسترسی زیاد دارند. این موضوع دلیل دیگری برای پالیسی سازان است و دیگر ها باید به جدیت متوجه عقاید مسولین امور مالی شوند و سعی خود را ادامه دهند تا تعلیمات حکومتی را بهبود بخشند.

در حال حاضر اکثر مکاتب افغانستان فاقد تعمیر اساسی و تسهیلات بوده، صنوف آن بیش از حد مزدحم و معلمین (بدون تحصیلات کافی) با معاش کم و حق الزحمه نوبه ئی بسر می برند. این وضع تهیه و تدارک مواد پرابلیم بزرگ بوده به توجه عاجل نیاز دارد. بانهم برای اصلاح تعلیم و تربیه اطفال افغانستان، تشویق شاگردان و سرعت بخشیدن جهت شمول به مکتب، توجه به تهیه مسایل ضروری به تنهائی کافی نیست. تمام آنهایکه در بخش تعلیم و تربیه فعالیت میکنند - پالیسی سازان، مربیون، و جوامع بین المللی باید از ورای سرحدات ساحه مکتب نگاه کنند و راجع به بخش تقاضای شاگردان همچو (کار کردن شاگردان، و جهات منفی مجوزه های اجتماعی) محراق توجه تصمیم گیری را راجع به شمولیت مکتب، نگهداری و یا موضوع عرضه مواد تشکیل میدهد که دیگر دلایل بکلی موجه بوده نمیتواند.

از دیدگاه مسولین امور مالی - و الدین و دیگر اعضای خانواده ها نیز تاکید قطعی درینمورد وجود دارد. عقیده مسولین امور راجع به تعلیم و تربیه اطفال شان اگر مثبت یا منفی باشد بالای تقاضای مکتب داری تاثیر خود را دارد. برای والدین (پدر و مادر) کیفیت تدریس خیلی اهمیت دارد. چیزیکه والدین راجع به مکتب فکر میکنند در تصمیم گیری آنها راجع به شمول اطفال شان رول فوق العاده دارد.^{۱۲}

در حال حاضر تاثیرات مثبت و سعی "دوباره به مکتب رفتن" اصرار میورزند و اکثر والدین آرزوی مداوم دارند که اطفال شان از مکتب مستفید خواهند شد.

اگر چه ملاحظاتی زیادی راجع به کیفیت تعلیم هنوز هم نزد مادر ها و پدر ها وجود دارد، و آنهایکه با تعلیم و تربیه سرو کار دارند باید توجه زیادی را درینمورد معطوف سازند، و در ارتباط به این تقاضا و تعبیر آن آمادگی کامل در برابر هر کدام داشته باشند. اگر نظریه والدین راجع به کیفیت منفی تعلیمی انکشاف باید تعداد خروج اطفال از مکتب زیاد میشود.^{۱۳} تقاضای مردم به قاطعیت مورد غور قرار گیرد زیرا نه تنها برای ازدیاد شمول شاگردان در مکتب مهم است بلکه برای پایداری و نگهداری شان نیز مفید میباشد.

^{۱۲} والدین همیشه از کیفیت تعلیم و تربیه سخن میگویند که شامل این مطالب است: کار روزانه برای اطفال شان به موجودیت معلم لایق که بداند چطور تدریس میکند خوش بودن اطفال در مکتب و توانائی او که خوب بخواند و خوب بنویسد. علاوه بران تعمیر مناسب برای مکتب، صنف مزدحم نباشد، موجودیت مواد لازم و کتاب برای تمام شاگردان دارای اهمیت است، راجع به مضامین چیز خاص نگفته اند که مربوط نصاب تعلیمی مکتب باشد. این مطلب توسط جواب دهندگان تذکر داده شده است.

^{۱۳} در نمونه گیری ساحه تحقیق ۵٪ شاگردان، مکتب را ترک کرده اند که احصائی ملی درینمورد کمتر وجود دارد، اما تخمین میشود که ۵۶٪ پسر ها و ۷۴٪ دختر ها از صنف پنجم مکتب را ترک کرده اند، کنسرسیوم تحقیق و دفاع از حقوق بشر، ۲۰۰۴ راپور کرد، پیشرفت در تعلیمات اجباری ۱-۹۱ کابل

۴. بعضی راه های جلورفت: از آنسوی دیوار های مکتب

موسسات علیحده برای ذکور و اناث ضروری میباشد و وقت زیاد و حوصله مندی کامل ضروریست تا سهمگیرندگان با سواد و بی سواد را در این انجمن ها تنظیم نمائیم. این نوع تلاشها ارزشمند است، تا برای یک انجمن فعال و موفق رول مهم را بازی کرده بتواند و تعلیم و تربیه با کیفیت را در سطح یک جامعه ببار آورد.

مفهوم ملکیت و تائید آن در رابطه به مکتب محلی در جامعه قابل تامل است، زیرا حسابدهی مکتب به جامعه مربوط لازمی میباشد. تعلیم یافته ها باید جوامع را تشویق نماید تا اضافه تر سرو کار به مکتب محلی شان داشته باشد و رول هر سهمگیرنده به وضاحت توضیح شود. پلان تمرینی عمومی برای مکتب، شامل اعضای مکتب و جامعه و انجمن ها باشد. والدین و معلمین هر دو متفقاً در فعالیت ها همکاری کنند، مثلاً در ملاقات فامیلها و فامیل های دور دست، بررسی، تنظیم و اداره امنیتی که از لحاظ نوعیت جامعه، همکاری ها در صورت لزوم نیز تغیر میابد. تحت رهنمائی وزارت معارف، سر معلم و رهنمای محلی با دقت مسایل را هماهنگی داده و والدینیکه علاقه دارند یکجا با اعضای جامعه سهم داده شوند. مریبون محلی و حکومتی باید آگاهی عامه را رشد دهند. و انجمن محلی معلمین و والدین را توسعه دهند تا والدین و جامعه در باره مکتب آگاهی یابند و از مسولیت های جدید و مساعدت های آن با خبر باشند.

آماده ساختن آموزش عملی راجع جنس مرد و زن برای تمام معلمین و تشویق مثبت و همکاری جامعه درین مورد

معلمین ذکور و اناث باید در باره جنس مرد و زن آموزش اساسی داشته باشند. تا بصورت مثبت شاگردان خود را تحت نفوذ آورده و در عین زمان خانواده های زیاد را تشویق نمایند تا اطفال خود را به مکتب شامل کنند. نصاب تعلیمی که بطور مثبت موثریت تعلیمات هر جنس را در خانه و جامعه تاکید نماید ضروری میباشد، و اصلاحات تازه و موثر را درین ساحه باید روی دست گرفت.

مریبون و معلمین ذکور و اناث وظیفه دارند تا مفکوره و نظریات مربوط به خطر اجتماعی را به دختران طور روشن و آشکار با والدین و جامعه صحبت کنند و با آنها یکجا کار کنند تا مفکوره های منفی را با در نظر داشت کلتور جامعه تغییر دهند. والدین و خانواده های کمک کننده توسط معلمین باید

علاوه بر جنبه تهیه و تدارک و اصلاحات تعلیم و تربیه، پالیسی سازان و کسان دیگریکه درین بخش کار میکنند باید موضوع تقاضای مردم را با اهمیت زیاد بررسی نمایند. زیرا آنقدر قیمت تمام نمیشود که از آنسوی دیوار های مکتب مسایل را ببینند و موضوعات جوامع محلی را مورد غور قرار دهند، لیکن این مسله تا یک اندازه به حوصله و ایثار ارتباط میگیرد. سفارشات از لابلای این تحقیق میرساند که عموماً آنرا بصورت جدی تاکید میکنند تا فعالین موضوع در سطح ملی و بین المللی فعالیت های خود را در بخش تعلیم و تربیه حسب ذیل دنبال کنند:

آموزش سر معلم ها و معلمین با تخنیک رهبری اساسی در جوامع و تنظیم مهارت ها

با ارتباط دیگر تلاشها بخاطر بهبود مهارت های درسی در بین صنف، معلمین محلی هم باید آموزش داده شوند و در محافل خورد بانها سهم داده شود تا در جوامع بزرگتر کار خود را بهبود بخشیده بتوانند. طوریکه رهنمائی موثر و تنظیم کننده جوامع نشان میدهد، سر معلمین و معلمین به اساس نظریات والدین مسایل مربوط به درس شاگردان را با سهمگیری آنها در مکاتب محلی میتوانند اصلاح نمایند. برای ترویج اعتماد و احساس خودی والدین ملاقات شان به مکتب باید تنظیم گردد. در عین زمان برای موثریت کار محفل خورد جهت اعطای تحایف، برای والدین و معلمین تهیه گردد. مادرانیکه دور افتاده اند در خانه های محلی محافل تنظیم گردد. و معلمین تشویق گردند تا علاقه پدر ها و مادر ها را فهمیده بتوانند و آنها را تشویق نمایند تا روابط مثبت بین خانواده ها و مکتب محلی برقرار نمایند.

این عملیه به یک تفاهم عمیق بین خانواده های محل و تصمیم گیری آنها در باره شمول اطفال به مکتب منتج میگردد و هم اثر متقابل در تهیه مواد و تقاضای جوامع دارد. باید سعی بعمل آید تا روابط را بانهای بهتر سازند که اطفال خود را به مکتب شامل میکنند و بعهدده گیرند تا تماس را با مردمان دورتر تامین کنند. موسسات با تجربه غیر دولتی نه همکاری حکومت این فعالیت ها را بطور مناسب انجام دهند.

تأسیس انجمن فعال معلمین و والدین در جوامع، تقویه و موجودیت همچو انجمن ها (PTAS)

همراه با آموزش، تنظیم اعضای مکتب و تنظیم مهارت رهبری در جوامع، باسانی میتوانند که انجمن محلی معلمین و والدین را اساس پشتیبانی جوامع بوجود بیاورند تا فعالیت های شان متمرکز برشد تعلیم و تربیه گردد.

علاوتاً پروژه‌های خاص همکاری آموزش اطفال برای اطفال و آنهائیکه (دختر و پسر) به مکتب شامل نیستند خیلی موثر است. رهنمائی و آموزش میتواند بین همسایه‌ها و بین افراد فامیل صورت گیرد، باین ترتیب کمیته اطفال را در جوامع باید بوجود آورد. معلمین و والدین کمک کننده میتوانند به حیث مشاورین در بین اطفال دور افتاده بطور غیر رسمی فعالیت نمایند.

توسعه و بهبود پروگرام موجوده برای غذای متمم مکتب

پروگرام غذائی جهانی ملل متحد (WFP) فعالیت غذائی متمم را در مکاتب تمویل کرد تا پسران و دختران را در شامل شدن به مکتب تشویق نماید. موافقه جیره بندی غذا و بردن آن به خانه‌های اطفال محرک و مشوق خاص است برای والدین که دخترهای خود را به مکتب روان کنند. خاصاً توسط فامیل‌های خیلی فقیر این عمل بقدردانی استقبال شده است، و ضروری است که این پروگرام توسعه داده شود و بوجه بهتر منظم گردد.

تعیین هویت، تثبیت و تشویق گردند و درینمورد هر کدام وکیل مدافع محلی خود باشند.

طفرلهای که آماج هدف فاصله‌های دور بوده و در مکتب شامل نیستند

فاصله دور برای طفل‌هاییکه شامل مکتب نیستند یک معضله وخیم و بحرانی است، درین امر باید فایق آمد و معلمین باید جامعه و خانواده‌ها را بخوبی بشناسند. درینجا یک تقاضای موثر برای فعالیت‌های غیر رسمی مکتب خانگی وجود دارد که با توانائی مشترک شاگردان در مکاتب عامه زمینه آموزش را سرعت بخشند و سواد را بیاموزانند.

در این نوع فعالیت‌ها باید یک گروه خاص را هدف قرار داد. بطور مثال: در سن مکتب برای قالین باف‌های ذکور و اناث یک موسسه غیر دولتی میتواند مساعی تعلیم و تربیه خود را با نماینده کمک کننده قالین بافی هماهنگ سازند. در عین زمان با وارد کردن فشار تجارتنی بالای فروشندگان قالین شرایط کار شانرا بهبود بخشند. با همکاری وزارت معارف بالای تعلیمات رسمی توجه شود ضمناً همکاری موسسات مجرب غیر دولتی درین پروگرام نیز ضروری است.

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان یک موسسه مستقل تحقیقاتی است که مطالعات و تحقیقات قابل‌تعمیل را انجام داده تا جهت تسهیل پروسه پالیسی‌سازی و فعالیت‌های اجرایی‌مورد استفاده قرار گیرد. علاوتاً واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان با جدیت بر آن است تا فرهنگ تحقیق را از طریق ارتقای ظرفیت‌های تحلیلی، ایجاد فرصت‌ها برای تحلیل و تجزیه اطلاعات و فضای بحث و گفتگو گسترش دهد. عمده‌ترین هدف واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان اینست تا از طریق فعالیت‌هایش، روند زنده‌گی مردم این کشور را بهبود بخشد.

این اداره توسط جوامع کمک کننده تاسیس شده است و نماینده‌گانی از دونه‌ها، سازمان ملل متحد موسسات غیر دولتی و موسسات مختلف دیگر منحیت هیأت رؤسا در آن اشتراک دارند.

هم‌اکنون این اداره توسط هیات معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان (UNAMA)، کمیسیون اروپا (EC)، کمیشنری عالی ملل متحد در امور مهاجرین (UNHCR)، نماینده‌گی مهاجرین هالند (SV) و حکومت بریتانیا، کانادا، ناروی، سویدن، سویزرلند و دنمارک تمویل میگردد. برای معلومات بیشتر و دسترسی به نشریات این اداره لطفاً به آدرس ذیل تماس گیرید:

جاده گل‌فروشی (نبش سرک ۲)

شهر نو، کابل

تلیفون: ۴۵۸ ۶۰۸ ۷۹ (۰) ۹۳+

areu@areu.org.af

www.areu.org.af